



## وجوه گوناگون اختلاف شب و روز/ دلایل قرآنی تقدم و تأخر لیل و نهار

آیت الله جوادی آملی با تبیین وجوه گوناگون اختلاف شب و روز، در تشریح تقدم و تأخر لیل و نهار یادآور می شود: بر اساس برخی آیات قرآن کریم، لیل یعنی ظلمت اصل است...

آیت الله جوادی آملی با تبیین وجوه گوناگون اختلاف شب و روز، در تشریح تقدم و تأخر لیل و نهار یادآور می شود: بر اساس برخی آیات قرآن کریم، لیل یعنی ظلمت اصل است و نهار و روشنایی فرع؛ برای اینکه آنچه که مربوط به خود موجودات امکانی است ظلمت و تاریکی است، بعد نور افاضه می شود، اما لیل در مقابل نهار ظاهراً فرع بر نهار است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 164 سوره بقره *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْقَلْبِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* تأکید می کند: بعد از ادعای وحدانیت حق - سبحانه و تعالی - براهینی بر توحید خدای سبحان اقامه فرمود که اولین برهانش آفرینش آسمان و زمین است، بعد نظم موجوداتی که در آسمانهاست یا در زمین است یا بین آسمان و زمین است که در پایان فرمود: *وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* یعنی اگر کسی درست بیندیشد هر کدام از اینها آیه تامه خدای سبحان اند.

### نظام علی و معلولی

وی در ادامه به نظام علی و معلولی در خلقت اشاره کرده و تصریح می کند: اگر کسی اصل نظم را انکار کرد و قائل به تصادف شد، او قبل از هر چیز راه اندیشه و فکر را هم می بندد؛ زیرا اگر کسی قائل به تصادف شد یعنی یک رابطه علی بین اشیا نیست. اگر نظام علی را نپذیرفت، هرگز نمی تواند بیندیشد و مقدماتی ترتیب دهد و نتیجه ای استنتاج کند؛ زیرا بین هیچ نتیجه و هیچ مقدمه ای رابطه نخواهد بود. همان مقدماتی که او ترتیب داد و نتیجه گرفت ممکن است رقیب او همان مقدمات را ترتیب دهد و نتیجه خلاف بگیرد. اگر کسی قائل به تصادف شد، قبل از هر چیز راه فکر کردن را بسته است. او نه می تواند چیزی را اثبات کند نه می تواند چیزی را نفی کند؛ پس اگر کسی قائل به استدلال است و طرز تفکر را می پذیرد، او باید تصادف را محال بداند و نظم علی را معتقد شده باشد.

صاحب تفسیر تسنیم یادآور می شود: اگر نظم علی هست، موجودی که هستی او عین ذات او نیست محتاج به غیر است. اگر وجود چیزی عین ذاتش نبود، یقیناً نیازمند به مبدأ است و هیچ ممکن نیست کسی بیندیشد و برای اندیشه حرمت قائل باشد و بتواند تصادف را بپذیرد. یک امر مشترك بین همه این براهین است و آن این است که اگر چیزی هستی او عین ذاتش نبود، محتاج به مبدأ است (خواه اصل هستی اش خواه وصف او بعد از هستی). خدای سبحان هم به اصل هستی این نظام استدلال کرد، هم به نظم این موجودات که وصف آنهاست استدلال کرد، یک برهان مشترك است در همه اینها و آن این است که چیزی که هستی او عین ذات او نیست، محتاج به مبدأ است (خواه او مجرد باشد، خواه مادی) و نظم هم خواه در بین امور مادی باشد، خواه در بین امور مجرد.

### وجوه گوناگون اختلاف شب و روز

وی در ادامه تفسیر این آیه، شب و روز را نشانه های خدای سبحان توصیف کرده و در وجوه گوناگون اختلاف شب و روز می گوید: اما درباره لیل و نهار خدای سبحان چند قسم بحث فرمود: یکی اصل آفرینش لیل و نهار را آیه قرار داد مثل اصل آفرینش آسمانها و زمین؛ چه اینکه فرمود: *وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ*، در بعضی از آیات به اصل آفرینش لیل و نهار استدلال فرمود. یکی به اختلاف لیل و نهار؛ اختلاف لیل و نهار به چندین وجه است: یکی اینکه لیل تاریک است و نهار روشن و نه تاریکی لیل ذاتی اوست، نه روشنی نهار ذاتی او؛ زیرا آنجا که روشن است در آینده نزدیک و یا دور تاریک می شود و آنجا که تاریک است در آینده نزدیک یا دور روشن می شود. پس نه تاریک بودن لیل و نه روشن بودن نهار ذاتی هیچ کدام نیست یعنی آن محدوده از فضا که گاهی روشن است، گاهی هم تاریک و بالعکس، لذا فرمود به اینکه ما لیل و نهار را آفریدیم و گرنه معنای لیل یا مفهوم نهار که خلق نیست؛ چون مفهوم است.

آیت الله جوادی آملی تصریح می کند: وجود خارجی لیل و وجود خارجی نهار که اینها عدم و ملکه هم اند هر دو موجوداند، لذا در سوره مبارکه اسراء آیه دوازدهم فرمود به اینکه *وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ*؛ ما لیل و نهار را دو آیه و دو علامت قرار دادیم، منتها شب یک آیت و علامت تاریک است، روز یک آیت و علامت

روشن. یعنی آن تاریکی و این روشنایی مقابل هم‌اند، عدم و ملکه هم‌اند؛ نه اینکه ظلمت به معنای تاریکی، آن لیل باشد، آن که لیل نیست [بلکه] آن ظلمت است. آن ظلمت خاصی که مقابل نهار است از آن ظلمت خاص معنای لیل انتزاع می‌کنند.

وی در تبیین نسبت شب و روز یادآور می‌شود: ... مثل عمی و بصر. عدم محض نیست. وقتی بصر رفت می‌شود عمی، وقتی توانگری رفت می‌شود فقر و مانند آن. وقتی علم رفت (تذکر رفت) می‌شود نسیان، نسیان در مقابل تذکر است، چهل در مقابل علم است و مانند آن. اینها عدم و ملکه‌اند و لیل و نهار هم عدم و ملکه است، لذا فرمود: *فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً* این یک نحو از وجوه و انحای اختلاف لیل و نهار. چه اینکه مشابه این را در سوره مبارکه نازعات به این صورت بیان کرده آیه 29 از سوره نازعات، فرمود: *وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا* یعنی لیل را اغطاش کرد؛ اغطاش یعنی همان «امحاء» یعنی در غطاش و تاریکی قرار دادن، تغاطش همان تعامی است، کسی که خود را به کوری می‌زند و خود را به نفهمی می‌زند می‌گویند: «تغاطش».

این مفسر برجسته قرآن می‌افزاید: خدای سبحان لیل را اغطاش کرد یعنی تاریک کرد و نور نهار را روشن کرد: پس یکی از وجوه *اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ* این است که خدای سبحان لیل را اغطاش و تاریک کرد و نهار را اضحا و روشن کرد؛ پس گاهی تعبیر به *فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً* فرمود، گاهی هم تعبیر به *وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا* فرمود، گاهی هم تعبیر به *اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ* می‌کند که این تعبیر، تعبیر فراوانی است. این وجه اول. وجه دوم و سوم و چهارم همان است که در بحثهای قبل ملاحظه فرمودید: یکی اینکه در مکان واحد گاهی شب است گاهی روز، یکی اینکه در زمان واحد هم شب است هم روز؛ بنا بر کرویت زمین در یک زمان بعضی از جاها شب است، بعضی از جاها روز که اینها *اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ* است، یکی هم در اثر حرکت انتقالی زمین در طی فصول مختلفه لیل و نهار باهم مختلف‌اند، یعنی لیلی باهم مختلف‌اند. نهارها باهم مختلف‌اند.

#### مقدم و مؤخر شب و روز

آیت الله جوادی آملی در تعیین اصل و فرع، مقدم و مؤخر شب و روز نیز می‌گوید: یک بحث در این است که کدام یک از اینها مقدم است و کدام یک از اینها مؤخر. بر فرض کرویت زمین این نزاع نزاع تامی نیست؛ برای اینکه زمین که کروی است و آفتاب می‌تابد، خب یک گوشه‌اش شب است و یک گوشه‌اش روز؛ با هم‌اند و این‌طور نیست که یک گوشه شب باشد و روز بعداً به بار بیاید یا بالعکس. اگر زمین کروی است آن چهره زمین که روبه‌روی آفتاب است روز است و چهره مقابلش شب؛ پس این نزاع که لیل مقدم است یا نهار بر فرض کرویت زمین در این قسمت‌ها روا نیست، مگر به یک نزاع غیر منتجی انسان بحث را بکشاند و آن این است که این ربع مسکون در این قسمتی که ماها زندگی می‌کنیم، اول اینجا روشن بود بعد تاریک شد یا بالعکس بالاخره با هم‌اند؛ در هر گوشه زمین که شب باشد گوشه مقابل آن روز است.

وی می‌افزاید: در کل ارض نمی‌شود فرض کرد که روز مقدم بر شب است، ولی می‌شود بحث کرد که در فلان منطقه خاص شب مقدم بود یا روز. این بحث هم خیلی منتج نیست، اما از بعضی از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که لیل یعنی ظلمت اصل است و نهار و روشنایی فرع؛ برای اینکه آنچه که مربوط به خود موجودات امکانی است ظلمت و تاریکی است، بعد نور افاضه می‌شود؛ نظیر همان آیه سوره یس که در بحث قبل قرائت شد که *وَأَيُّ لَيْلٍ لَهُمُ اللَّيْلُ تَسْلُجُ مِنْهُ النَّهَارُ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ* که این را بعضی از بزرگان خواستند عبره بگیرند برای کل عالم هستی یعنی اصل عالم هستی لیل است و درون اینها ظلمت است و فیض الهی می‌آید اینها را روشن می‌کند. روزی هم که فیض الهی گرفته بشود به نام نفخ صور همه اینها از بین خواهند رفت و محو خواهند شد. ولی لیل در مقابل نهار ظاهراً فرع بر نهار است؛ چون لیل ظل است و نهار روشنی یعنی آفتاب که می‌تابد آن منطقه از زمین که روبه‌روی آفتاب است روشن است، آن نقطه مقابل زمین کروی که سایه این نور قرار گرفته می‌شود شب؛ چون سایه فرع نور است پس لیل فرع بر نهار است.

#### مراد قرآن از عدم امکان پیشی‌گرفتن خورشید از ماه

این استاد عالی حوزه به تبیین دلایل قرآنی عدم امکان پیشی‌گرفتن خورشید از ماه پرداخته و می‌گوید: در سوره مبارکه یس آیه 40 این‌چنین آمده که *لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ* استفاده‌ای که بعضی‌ها کردند این است که در این کریمه فرمود: شمس حق ندارد قمر را جلو بیفتد؛ چون این مدار 365 درجه‌ای را آفتاب روزی یک درجه طی می‌کند ماه روزی 12 الی 13 درجه طی می‌کند. ماه روزانه 12 الی 13 درجه این مدار 360 درجه را طی می‌کند، لذا گاهی با 29 روز این مدار را طی می‌کند، گاهی هم با 30 روز، اما آفتاب روزانه یک درجه را طی می‌کند، لذا 365 روز باید بگذرد تا این مدار را طی کند. پس قمر سریع‌تر از شمس است و هرگز شمس نمی‌تواند جلو بزند و هماهنگ باشد با قمر هم سیر باشد یا جلو بزند.

آیت الله جوادی آملی در ادامه می افزاید: لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ؛ شب هم هرگز حق ندارد جلو بیفتد؛ چون شب سایه است و سایه به دنبال نور است یعنی هر جا نور آمده نقطه مقابلش سایه است، وقتی نور حرکت کرد سایه هم به دنبال آن حرکت می کند. این چنین نیست که لیل و نهار عدل هم باشند. شما وقتی یک چراغ را حرکت دادید دور یک ستونی یا ستونی را دور چراغ حرکت دادید، هر جا نور هست نقطه مقابلش سایه است، وقتی نور حرکت کرد سایه هم به دنبال آن حرکت می کند. آن فقدان این وجدان است، لذا لیل نمی توان جلو بزند و قبل از اینکه نهار بیاید، یک جایی را، آن نقطه مقابل آن باشد، جایی دیگر را تاریک کند. مقدور آن نیست: وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ؛ لیل نمی تواند از نهار جلو بزند؛ برای اینکه همه و همه در جهان باز و فضای باز اینها در سباحت و در شناوری هستند.

#### وجه تقدیم شب بر روز در ماههای قمری

وی در تبیین علت تقدم شب بر روز در ماههای قمری می گوید: ولی در ماههای قمری یک نظم خاصی دارد که حکم براساس ماه است. از نظر طلوع و غروب ماه احکام بر این است که لیل مقدم بر نهار است (در ماههای قمری)؛ چون ماه اولین بار رؤیت می شود احکام شرعی نوعاً بر لیلی است که مقدم بر نهار است، شب جمعه قبل از روز جمعه است، شب قدر قبل از روز قدر است، شب اول ماه قبل از روز اول ماه است. این براساس بحثهای آثار فقهی که بر ماههای قمری بار است و اما خب قمر در کل جریانها هست، منتها مشهود نیست. در بسیاری از موارد هست و دیده نمی شود؛ چون اولین فرصت دیدارش شب است، لذا شب در این بحثهای ماههای قمری در احکام شرعی مقدم بر روز است یعنی اگر گفتند قرائت فلان آیه در شب جمعه صواب دارد یا قرائت دعای کمیل در شب جمعه صواب دارد، این به اصطلاح پنج شب شب جمعه مصطلح باید آن را خواند؛ نه جمعه شب که بشود شب شنبه. اینها آثار فقهی است که بر ماههای قمری بار است و چون اول در شب دیده می شود ماه از آنجا شروع خواهد شد یعنی شب جمعه قبل از روز جمعه است.

#### تابعیت شب از روز

این مفسر برجسته کشورمان در مورد تابعیت شب از روز بر اساس آیات قرآن تصریح می کند: در بعضی از آیات دیگر هم نشان می دهد که لیل تابع نهار است. در سوره مبارکه اعراف آیه 54 این است که إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا يُعْشِي دُونَ مَفْعُولِ گرفت یعنی «يَجْعَلُ اللَّهُ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى اللَّيْلُ غَاشِيَةَ النَّهَارِ» که لیل را پوششی بر نهار قرار داد یعنی هر جا روز است و روشن چون در حرکت است، فوراً به دنبال آن شب می آید آنجا را می پوشاند و تاریک می کند. چون زمین و آن عامل نوربخش در حرکت است وقتی مقابله با نیر تمام شد، شب به دنبال نهار می آید آنجا را که روز روشن کرده بود، شب می پوشاند: يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ یعنی «وَاللَّهُ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ» یعنی «يَجْعَلُ اللَّيْلُ غَاشِيَةَ النَّهَارِ»، آن گاه فرمود: يَطْلُبُهُ حَثِيثًا یعنی شب با شدت به دنبال روز در حرکت است.

وی تأکید می کند: تحثيث کردن، حثّ بر يك کار یعنی برانگیختن و وادار کردن؛ حثيث یعنی سریع. شب مرتب به دنبال نهار است، چون سایه است و سایه مرتب به دنبال نور هست، هر جا نور رفت نقطه مقابلش هم سایه حرکت می کند که یطلب لیل نهار را حثيثاً، يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. اصل این اغشاء را هم در سوره مبارکه رعد، آیه سوم این چنین بیان کرد که فرمود: جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا اثْنَيْنِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ علي ای حال، اصل لیل و نهار و نظم لیل و نهار و اینکه هیچ ممکن نیست لیل سابق بر نهار باشد، همه و همه نشانه توحید خدای سبحان اند.

#### خروج روز از درون شب

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 164 بقره درباره مفهوم قرآنی خروج روز از دل شب می گوید: همان طوری که زمین را خدا می شکافد و نهر جاری می کند آن لیل تاریک را می شکافد از آن صبح روشن به بار می آورد که در سوره انعام آیه 96 این چنین آمده است: فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا یعنی لیل را برای سکونت و آرامش شما خلق کرد و صبح را شکافان کرد یعنی شکافت و صبح را به بار آورد؛ مثل اینکه می گویند: نهر را شکافتند یا چشمه را منفجر کردند: يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا، آن شکاف را که نهر است می گویند «فلق النهر»، در اینجا هم می گویند «فلق الصبح، فلق الاصبح» و مانند آن. پس هر کدام از اینها هم در اصل وجودشان آیه حق اند، هم در نظمشان آیه خدای سبحان اند، لذا فرمود: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ.